الرحمن الرحيم

الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون

 با درودهاي بيکران بر رهبر عدل و عدالت ، حضرت حجت (عج) و نايب به حق او حضرت آيت الله العظمي امام خميني رهبر تمام مستضعفان جهان و با درود بر ملت شهيد پرور و قهرمان و خانواده هاي محترم شهداء و با درود و سلام بر رزم آهنينان جبهه هاي نبرد ازجمله تيز پروازان ارتش و جان برکفان نيروي دريايي و بالاخره بسيجيان صحرا نشين و بسيجياني که در جبهه ها مي خروشند و از خروش و غرش آنها دشمن دون به لرزه افتاده.

 جملاتي که هم اکنون خوانده مي شود توسط اميرحسين قلي پور بر اين لوح سفيد نقش و نگاري شده و اميد است با اين کلمات و جملات عرايضم را به حضور ملت عزيز لاله جين و خانواده عزيزم برسانم .

 آري به خدا قسم به آرزوي ديرينه ام رسيدم ، به خدا قسم ، به سفره پر زرق و برقي که امام حسين (ع) انداخته بود رسيدم ، به خدا قسم به آبي که مي خواستم تا در آن گناهانم را بشويم و نفسي تازه کنم رسيدم به خدا قسم به کاروان خسته رسيدم و بالاخره به خون خودم غوطه ور شدم و پيدا کردم گم شده ام را . عزيزان چرا دست بر روي دست گذارده ايد و شقاوت بازي و وحشيگري يزيديان زمان را مي نگريد ؟ چرا نشسته ايد و در بغل مردن بچه شش ماهه مادري را تماشا مي کنيد ؟ چرا منتظر مانده ايدکه يزيد به امام حسين (ع) بتازد و او را خداي ناکرده صدمه اي برساند؟

 تاکي ، تاکي در خوابيد ؟ مي خواهيد همينطور عربعلي به جامه ها ، عسگريها ، شيريني ها ، اکبري بهروزها از بين بروند ؟ چرا مي گذاريد پيراني چون احمديها و خردسالاني چون نظريها ، عيوضي ها و واحدي ها را سر به تن نگذارند ؟ تاکي مرده باشيم ؟ تا کي بخوابيم ؟ چرا يا ايها الذين امنوا عليکم القصاص : چرا قصاص نمي کنيد ؟چرا انتقام هاي شهيدان بمبارانهاي صدام افريته را نظاره مي کنيد ؟ چرا مي خواهيد خواهران (بيرامي) از شما ناراحت باشند ؟ چرا؟ چرا؟ چرا چيزي را بگوييم و به آن عمل نکنيم ؟ چرا به گفته قرآنمان عمل نکنيم که مي گويد : يا ايها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون ؟ چرا از آتش جهنم نمي ترسيد تا کي کار ؟ تا کي درس ؟ تا کي زندگي ؟ مگر برادران و خواهران که مرده اند آسايش نمي خواستند ؟ زندگي ، درس ، کار نمي خواستند؟ چرا ، چرا مي خواستند ولي موانع و مزاحم زيادند خوب در اين صورت بايد اينها را برطرف کرد و راه را بازکرد.

 به قول پدربزرگمان ، امام ، وقتي ديگري به جبهه رفت نگوئيد که تکليف از ما سلب گرديد ، نخير شايد بشود سر بعضي ها کلاه گذاشت ، ولي « ان شاء الله بکل شي عليم » .

 وصيتي دارم به خانواده ام که به حضور آنان مي رسانم :

 مادرم سلام عليکم ، اکنون که خداوند تبارک و تعالي امانت خود را از تو گرفته مبادا گريه کني مبادا آه و فقان کني مبادا دل دشمن را شاد کني مبادا به کارهاي خداي تعاي اعتراض کني ! بگذار که دشمن از داشتن مادراني چون شما بسوزد و بميرد ، ذليل و خوار شود ، بگذار که منافقان کوردل بدانند که مادران همچون زينبند و شير زنند.

 افتخارکن که پسرت شربت شهادت نوشيد ، پسرت را دشمن کشت و پسرت را خدا گرفت و افتخار کن که خدا از او خوشش آمده و او را به ميهماني دعوت نموده است . مبادا فکر کني من مرده ام و گريه کني ، نخير من زنده ام و خدايم را ملاقات کرده ام ، آن کسي مرده که هنوز فکر ماديات ، عيش و نوش ، و فکر پول و ثروت است . پدر عزيزم مي دانم برايم بسيار زحمت ها کشيديد ، بسيار شبها نخوابيديد و لقمه اي نان برايم حاضر نموديد و من بي وفا هيچ کاري در حق تو نکردم . مي دانم وقتي که کوچکتر از حالا بودم چه زجرهايي کشيديد و چه بي خوابيها کشيديد تا من گرسنه نمانم ولي خوب در کار خدا نمي شود دخالت کرد.

 بايد جلو همسايه اي که از ديوار خانه بالا کشيده و به ناموس و مال و جانمان خيانت کرده را گرفت و مواظب او بود تا مبادا خانه را از دستمان بگيرد و در اين معرکه اگر کشته شدم هم براي حفظ و حراست خانه ام و به رضاي خدا کشته شدم پس گريه و زاري بيخود است .

 برادرانم سلام عليکم ، اميدوارم اگر موجب آزار و اذيت شما شده ام مرا ببخشيد و برادرم مهدي اميدوارم درست را خوب بخواني چرا که قلم تو اسلحه و سنگر توست . برادرم جواد ، مي دانم که هرچه از دستت برآمد کرده اي و به اندازه خود جبهه را خالي نگذاشته اي ولي باز مي خواهم که اسلحه ام زمين نيفتد و از شما مي خواهم که مرا حلال کنيد و گريه و زاري نکنيد.

 خواهرم سلام عليکم ، شما هم مرا حلال کنيد و اگر مي خواهيد خونم را پايمال نکنيد حجاب خود را حفظ کرده و دخترتان را طبق مقررات اسلام بزرگ کنيد . حضور برادران ديني ام سلام عرض مي کنم و از ايشان حلاليت مي طلبم و مي خواهم که دعايم کنيد و مرا از آتش دوزخ برهانيد و نگذاريد خونم در زمين خشک شود و اسلحه ام بپوسد ، آن را برگيريد و بر دشمنان بتازيد که « ان الله لعن الکافرين و اعد لهم سعيرا : به درستي که خداوند لعنت کرد کافرين را و آماده کرد براي ايشان آتش سوزان را » .

 با به اتمام رساندن وصيت ، سلامي حضور تمام آشنايانم مي رسانم و مخصوصا سلامي گرم حضور تمام برادران بسيجي مي رسانم و اميدوارم که ايشان هم مرا حلال کنند .

والسلام